

شیخ یعقوب صرّنی و شعرا و

مثنوی آن حصہ ای نظم است کہ در آن ہر دو مصرع یک شعر ہم قافیہ باشند ولی قافیہ ہر شعر تغیری یابد و ہمیں سبب نامش مثنوی طے شدہ است زیرا کہ ہر دو مصرع ہم قافیہ باشند۔ موضوع و مضامین مثنوی از اضاف دیگر شعر ہا مثل غزل، قصیدہ، مرثیہ و رباعی و جز آن زیاد وسیع بلکہ ہمہ گیر است۔

شاعری بیانیہ کہ برای خودش لباس مثنوی پسند نمود ولی این صنف فقط بر مرقع کشی کائنات خارجی اکتفا نہ نمود بلکہ شرح کیفیات و احساسات درون ہم نمود۔ مثل جزبات انسانی، مناظر قدرت و واقعات تاریخی و جز آن کہ با خوش اسلوبی و روانی در مثنوی جمع می شوند چنین گنجایش در هیچ صنف سخن ممکن نیست۔ موضوعات و مضامین مثنوی از اصناف دیگر شعر ہا مثل غزل، قصیدہ، مرثیہ و رباعی و جز آن زیاد وسیع بلکہ ہمہ گیر است۔ این درست است کہ برای مثنوی نگار احتیاج قید و بند بسیار کم دارد۔ ہمیں سبب داستانہای بزرگ درین صنف بوجود آمدند مثل شاہنامہ فردوسی کہ مشتمل بر پنجاہ و چہا ہزار اشعار است و این ہفت خوان سخن در هیچ صنف سخن ممکن نہ بود۔ مولانا امداد امام اثر در بارہ مثنوی می نویسد زیرا کہ درین وقت در صنف شاعری بزرگ تصنیفہای منظوم جہاں بہ پایان رسیدند، ہومر، ورجل، ملتن، فردوسی، و المکی، و ویاس و جز آن ہم درین صنف سخن، سخن آرائی کردند و اظہار کمال نمودند۔

از مطالعہ نسخہای قدیم این سخن معلوم می شود کہ شعر اوادبا کشمیر با سعی بلیغ تقلید استادان ایران نمودند

در پیروی نمه مولانا جای نمه حضرت شیخ یعقوب صرغی است۔ ہمانطور بسیار مثنوی نگاران تہلید نظامی و مولانا روم و فردوسی ہم نمودند و بسیار مثنویہای عارفانہ و صوفیانہ نوشتند و شاہنامہ منظوم نمودند۔ این جانشی بر مثنویہای یک نویسنده کشمیر مطلوب است تا معلوم شود کہ ہنرمندان و سخنوران فارسی کشمیر با مہارت کامل خود چہ در ہاسفتند و چہ بزرگ کارنامہا سرانجام دادہ اند۔ این کارنامہای ایشان نہ فقط در تاریخ نویسی اند بلکہ در علوم ہای تصوف، حکمت، منطق، مذہب طب و نجوم و جز آن ہم ہستند۔ آنہا چنین کارنامہ ہای بزرگ نہادند کہ بسیار گران قدر ہستند۔ آن سخنوران در جہان بینی جہاں آن کارہا سرانجام دادند کہ در دوام خود بے بہا ہستند۔

حضرت شیخ یعقوب صرغی در شہر سرینگر در سال ۹۳۸ھ تولد یافت والد بزرگوار ایشان حضرت شیخ حسن گنائی عاصمی بود کہ از امراء وقت بشمار می رفت۔ شیخ صرغی در ہفت ساگی قرآن شریف را حفظ کرد و در سال ہشت شاعری آغاز نمود۔ پدرش در شعرش اصلاح کرد۔ برای ذوق و شوق علم و ادب او پرش یک استاد ملا محمد آئی کہ شاگرد مولانا جامی بود انتخاب نمود و استادوی را از تعلیمات دینی بہرہ مند ساخت و تخلص صرغی نمود و از خطاب ”جامی ثانی“ سرفراز نمود۔ علاوہ ازین استاد ملا محمد آئی و استاد حافظ بصیروی را علم فقہ، نحو، صرف و جز آن آموخت و از اسرار کشف و شہود آگاہ نمود۔^۳

شیخ صرغی بعد از سفر وسط ایشیا، افغانستان، ایران، عراق، روم و ہند از زیارت مکہ معظمہ و مدینہ منورہ ہم فیضیاب شدہ۔ در سمرقند حضرت شیخ حسین خوارزمی رہبر ایشان شد۔ چند روز در خدمتش بسر نمود و از وی مقاصد خویش حاصل نمود۔ علاوہ ازین زین در سمرقند و بسیار بزرگان دین و عارفان سلوک نیز ملاقی شد و با عارفان مشہد، طوس و خراسان و جز آن نیز ملاقات کرد۔ بارہنمائی یک دوست در قزوین از شاہ طہماسپ ملاقی شد۔ و ہمچنین از صحبت عالمان و فاضلان تبریز فیضیاب شد۔ بعد از مستفید شدن از صحبت عالمان و فاضلان و عارفان روم سوی ہند رخ نمود۔ در ہند بعد از سیر و گردش مقامات گجرات بلوچستان، ملتان، لاہور، انبالہ، پانی پت، دہلی و احمد آباد از فیوضات عالمان، فاضلان و عارفان فیضیاب شد بعد از این سفر دور و دراز باز سوی کشمیر آمد۔ و بعد از مدتی برای حج کردن سوی بیت اللہ شریف روانہ شد۔ در مکہ معظمہ شیخ ابن الحجر مکی وی را درس

احادیث آموخت - کتاب صحیح بخاری، صحیح مسلم و مشکوٰۃ و جز آن زیر درس بودند - در مدینه منوره از زیارت
روضه مطهره صلی الله علیه و آله مستفید شد و از هم نشینی عالمان و فاضلان آنجا شرفیاب شد -

حضرت شیخ صرّی در مقابله ختمه مولانا جامی یک ختمه نوشت - مسلک الاخیار، و امق عذرا، لیلی و مجنون
، مغازی النبی صلی الله علیه و آله و مقامات مرشد نام دارد - علاوه ازین شیخ صرّی کتابهای دیگر بنام مناسک حج، شرح زیارت
بخاری، حاشیه توضیح و تلویح، حاشیه روائح، حاشیه رباعیات در ساله اذکار هم نوشت -

ختمه مولانا صرّی موضوع گوناگون دارد - مثل رزمیه، بزمیه، عشقیه، اخلاقیه و صوفیه که هر یک جداگان
وصفی دارد - این ختمه اگرچه باختمه مولانا نظامی و مولانا جامی زیاد برتری ندارد ولی در بعضی جاها در سلاست
وروانی از آن بهتر است - از لحاظ سبک کلام ایشان بسیار شیرین، ساده و صاف و روان است و از تعقید نهایت
صاف و شفاف است - در اظهار نزاکت تشبیهات، استعارات و تراکیب و در استعمال محاورات مهارت
استادانه نموده است - برای درک نمودن کلام صرّی این چیز لازم است که مهارت کامل در زبان عربی و فارسی
باشد و بردیگرفنون عبور کامل هم باید داشت - زیرا که صرّی نه فقط در عربی و فارسی ید طولی دارد - در کلامش آیات کلام
اللّه، احادیث نبوی صلی الله علیه و آله اصطلاحات صوفیانه و ضرب الامثال و جز آن با نهایت برجستگی و اشتگلی جذب شده اند -

با حمد باری تعالی طرز نعت رسول مقبول صلی الله علیه و آله بسیار شاندار است و هر تصنیف ایشان با حمد خدا تعالی
و نعت رسول صلی الله علیه و آله آغاز می شود - و حصه ای بزرگ اشعارش در بیان موضوعات اخلاقی و دینی است و در بیان
سخنهای حکمت آمیز و اخلاق شاعر بسیار سعی نموده است و برای بیدار شدن از غفلت پندها داده است
- و اشعار پند آموز را در طرز لطیف و موثر نوشته است - این سخن قابل ذکر است که اگر در ایران ختمه مولانا
نظامی، مولانا جامی و مولانا رومی و دیگران را مرتبه بلند دادند ولی مردم کشمیر در پیش کردن هیچ گنج صرّی فخری
نمایند - زیرا که ختمه صرّی در بیان کردن خصوصیات توحید و معارف، عشق و محبت و سوز و گداز و جز آن هیچ پایه
کم ندارد - ختمه صرّی برای این مشنویها مثل است - ۱ - مسلک الاخیار ۲ - و امق عذرا ۳ - لیلی و مجنون ۴ - مقامات
مرشده ۵ - مغازی النبی صلی الله علیه و آله -

مسلک الاخیار که در ختمه مشنوی اولین است و شاعر از اوّل درین مشنوی چنین طرز اختیار نموده است که

دروغ خود از هر جانب لایق ستایش است - فی المثل مناجات باری تعالی و نعت رسول مقبول صلی الله علیه و آله مدعای خاص دارند - در مناجات تو صیغ باری تعالی چنین طور بیان نموده است که او خالق و مالک همه کائنات است و هر ذره کائنات زیر فرمان اوست و هر ذره کائنات زیر فرمان اوست بس اطاعت و فرزنداری آدم مفقود است - درین اشعار این چنین صراحت نموده است

ای بتو و ابسته همه کائنات
اول و آخر تو بذات و صفات

ای خداوند بزرگ همه کائنات از تو وابسته است و در ذات و صفات اول و آخر است یعنی اول و بیچ انتها ندارد و معنی دارد که هر ذره کائنات از تو وابسته و پیوسته است - از آغاز تا انجام جلوه افروزی نورشان را دیده می شود - بعد از مناجات باری تعالی حضرت صرعی ذکر پیغمبر حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله کرده است - آنحضرت صلی الله علیه و آله خاتم النبیین و خاتم المرسلین است و اسم مبارک آنحضرت صلی الله علیه و آله که با کلمه معظم لا اله الا الله پیوسته است - تو به حضرت آدم علیه السلام از وی قبول شده است و آتش را برای حضرت خلیل الرحمن گلزار نموده است - از فیض و برکت آنحضرت صلی الله علیه و آله حضرت نوح علیه السلام را از غرق شدن نجات یافت و خداوند کریم وی را سرچشمه این کائنات نموده است و از این چشمه طالبان فیض را از اول تا آخر سیراب فرموده است -

سید عالم سند عالمین
جا انبیا بکتاب مبین
اکمل من جا الیه الکتاب
افضل من اول فضل الخطاب

معنی این است که آنحضرت صلی الله علیه و آله راهنمای عالم است و برای عالمین سند است و از کتاب روشن مقام پیغمبری یافت و در همه کتاب کتابش مقام کامل یافت و برگزیده از سابقه است و از همه زیاد مشهور است -
مطلب اینست که برای همه مخلوقات آنحضرت صلی الله علیه و آله راهنمای شفیق است و برای همه عالم پیغام پاکیزه داده است و از بخشش کتاب منصب هادی یافت و در همه کتاب کتابش یعنی قرآن مجید افضل ترین

کتاب است - و در توصیف آن حضرت صلی الله علیه و آله چنین شعر هم سروده است

ختم رسل پادشبه انبیا

خاک درش تاج سر اولیا

معنی اینست که آن حضرت صلی الله علیه و آله خاتم المرسلین است و پادشاه انبیا است و خاک درش تاج سر اولیا است -
مطلب اینست که همه رسول و انبیا علیهم السلام که گذشته اند در رعیت شمارند و برای دوستان خدا خاک پای
آن حضرت صلی الله علیه و آله یک تاج درخنده بر سر است -

بعد از نعت نبی کریم صلی الله علیه و آله شیخ صرّی در کتاب مسلک الاخیارنا پائیداری جهان را ذکر کرده است زیرا
که آدمی را باید که زندگی این جهان را غنیمت شمارد و این روز را در هوشیاری صرف باید نمود تا بدین وسیله انجام
نیک را بدست یابد و برخلاف آن در غفلت بودن کارشایان نیست -

ای ماه و سال از می غفلت خراب

وی همه روز و شب مست خواب

این جا شاعر با آدمی مخاطب می شود که شش ماه و سال را در غفلت بسر برده زیرا که شش ماهه روز و شب هارا در
خواب غفلت خراب نموده - مطلب اینست که ای آدم حیف است که شش ماهه روز و شب را فرموش کرده و
درین شش ماهه وسا لهای شتابدون هیچ فائیده بر شد و سوا ی زیان خساره هیچ چیز بدست نرسید و می گوید -

چند بود خواب تو خرگوش وار

وی همه روز و همه شب مست خراب

بجز خوب ترا کار نیست

بجز خرابی ترا کار نیست

شاعر درین اشعار این واضح نموده است که ای آدم تا چند خواب شمانند خرگوش وار بود - معنی اینست که
ای انسان گر تو نادان نیستی پسند من را گوش دار تا کی نود در خواب غفلت بخوابد و آن غفلت را یکسوکن و پسند من را

گوش کن گر شمار بدون خواب هیچ کار نیست پس این غفلت برای شما بجای موت است یعنی جز مرگ هیچ چاره
نیست و دیگر اشعار هم همین طور سروده است

خوب تو تا صبح قیامت مگر
می کشد ای از دو جهان ای پیچرخ

حواشی و حواله جات

- ۱- مثنوی آن صنف سخن است که در آن هر دو مصرع هم قافیه باشند ولی بعد هر شعر قافیه تغییری یابد.
 - بمناسبت یکسان قافیه در هر دو مصرع این صنف بنام مثنوی موسوم است -
 - ۲- رجوع فرمائید به تاریخ مثنویات اردواز جمال الدین احمد [ص- ۲۰]
 - ۳- ملا محمد آبی در شهر ختلان تولد یافت و از آنجا در کشمیر سکونت اختیار نمود و بعد از آن همان جا یعنی در کشمیر فوت کرد و مدفون شد. زیرا که حضرت صرّی در تصنیف خود بنام مغازی النبی صلی الله علیه و آله دریں باره فرموده است -
 ختلان مولد بکشمیر جا
 از انجاش رحلت بدار البقا
 - ۴- ملاحظه فرماید مغازی النبی صلی الله علیه و سلم که تصنیف شیخ یعقوب صرّی است - [ص- ۱۰- ۱۸]
 - ۵- مثنوی مسلک الاخیار در مقابل مثنوی تحفته الاحرار جامی در سال ۹۹۳ هـ نوشته شد. این مثنوی برسی و پنج مسلک مشتمل است و هر مسلک را در جداگانه موضوع بیان نموده است - اشعار این مثنوی چنین در شده است -
- معنی جهدا آنکه بدست آوری دامن پیریکه کند رهبری
 دامن پیری چو بدست آیدت از همه سوره سوی او بایدت
- این چیز روشن است که معنی جهد یا کوشش همان وقت در دست شما بیاید چون دامن مرشد را محکم بگیرد دید چون آن دامن در دست شما بیاید از همه چیزها بسوی او متوجه باشید -
- و دیگر رجوع فرمائید به تذکره حسام الدین راشدی بخش دوم [ص- ۶۴۳] و مسلک الاخیار که تصنیف شیخ یعقوب صرّی است نسخه خطی [ص- ۷]
- ۶- رجوع فرماید به مسلک الاخیار از شیخ یعقوب صرّی نسخه خطی [ص- ۱۱- ۱۲]